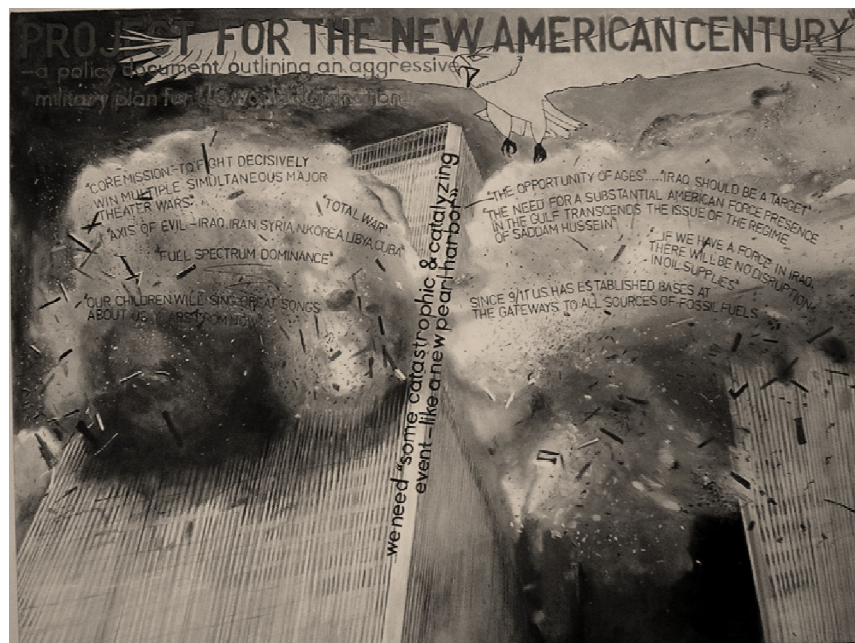


گاهنامه هنر و مبارزه

16 مارس 2012

به گفته ژنرال وسلی کلارک بی ثبات سازی سیاسی و جنگ منطقه ای در سال 2007 توسط اعضای «پناس» (1) (طرحی برای قرن جدید آمریکایی) طرح ریزی شده بود.



PROJECT FOR THE NEW AMERICAN CENTURY



و این هم شش جنایت کار.

آهای، با این شتاب روی بر نگردانید

برای برکشیدن نقاب از چهره آنها، می بایستی معادل

پنجاه شهر و تمامی یک نسل را می پرداختیم.

(گاهنامه هنر و مبارزه : به نقل از برتولت برشت در کتاب الفبای جنگ)

نوشته نیل بووی
ترجمه توسط حمید محوی

Selon le général Wesley Clark la déstabilisation politique et la guerre régionale a été initiée dès 2007 par des membres du PNAC

par Nile Bowie



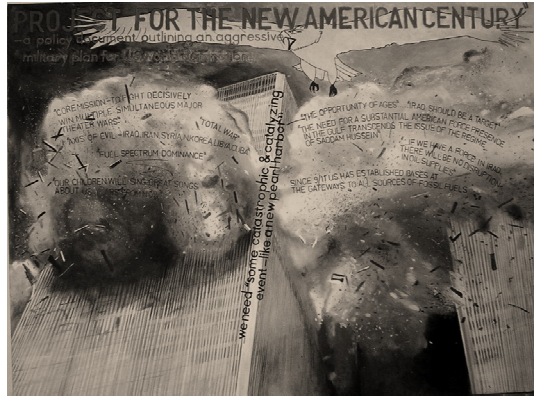
Mondialisation.ca, Le 12 mars 2012

مرکز مطالعات جهانی سازی 12 مارس 2012

در هرج و مرج تیر توپخانه در حمص و دمشق و محاصره فعلی دولت بعثی بشار الاسد، گویی رویدادها به آن چه در قرن پیش به وقوع پیوسته شباهت زیادی دارد. در قرن پیش، دولت فرانسه برای برپا نگهداشتن تحت الحمایگی سوریه، و برای سرکوب آنهایی که در پی الغای قرارداد تحت الحمایگی فرانسه بودند، سربازان بیگانه را به خدمت می گرفت. و در حالی که نخست وزیر اسبق فاریس ال-خوری به سال 1945 در سازمان ملل متحد از استقلال سوریه حرف می زد، هواپیماهای بمب افکن فرانسوی در پی به زانو درآوردن دمشق بودند.

امروز، همان دولت، در کنار ایالات متحده و رژیم های ماهواره ای مانند لیبی و تونس با مسرت شورای ملی سوریه را به عنوان دولت قانونی کشور به رسمیت شناخته است. با وجود این که سرشماری اخیری که توسط بنیاد قطری تأمین مالی شده بود، نشان داد که 55 درصد از مردم سوریه از رژیم بشار الاسد طرفداری می کنند، قدرت های قدیمی استعماری اصول دموکراتیکی را که از آن حرف می زنند زیر پا می گذارند.

طرح قرن جدید آمریکایی



با تحقیر افکار عمومی نزد مردم سوریه، سرنوشت آنها از مدت ها پیش توسط نیروهایی که در خارج از مرزهای کشورشان بودند تعیین شده بود. ژنرال بازنشسته آمریکایی، وِسلِی کلارک طی سخنرانی در اتحادیه کالیفرنیا در سال 2007 به طرح سیاسی از سوی اعضای گروه «طرحی برای قرن جدید آمریکایی» اشاراتی داشت. کلارک از پرونده ای سرّی در کابینه وزارت دفاع در سال 2001 یاد کرد که در آن طرح بازسازی کلی خاورمیانه و آفریقای شمالی پیش بینی شده بود.

این پرونده به شکل رسمی از تدارکاتی پرده برداشت که بی ثبات سازی سازمان یافته و دائمی دولت های عراق، سومالی، سودان، لیبی، لبنان، سوریه و ایران را هدف خود قرار داده بود. تدارکات امّا، پیش از همه شامل صحنه پردازی های آشنا و شناخته شده بوده که روی صحنه، رژیم دیکتاتوری را در حال سرکوب افکار مخالفان و حذف بخش مهمی از مردم نشان می دهد...

سوریه روی صفحه شطرنجی که بزرگترین قدرت ها روی آن بازی می کنند، یک مهره بیشتر نیست. جبهه ناتو به رهبری ایالات متحده و با همکاری رژیم های سلطنتی و فئودال در خلیج فارس که در اتحادیه همکاریهای خلیج گرد هم آمده اند منافع غیر قابل انکاری در تعویض رژیم دارند. با تمرکز روی چنین طرح هایی از رسانه هایی که در اختیار قطر است، مانند الجزیره، استفاده می کنند، تا گزارشات را بر اساس تعبیر خودشان در سطح جهانی منتشر سازند، و از سوی دیگر گروه های افراطی مناطق سنی را علیه رهبریت بشار الاسد که به اقلیت شیعه علوی تعلق دارد، مسلح می کنند. در سال 2005، دولت بوش تأمین مالی گروه های مخالف رژیم سوریه را به عهده گرفت که طرفدار اخوان المسلمین و خواهان ایجاد یک رژیم اسلامی به تعبیر اهل سنت بودند. از مدت ها پیش، این گروه از مخالفان اهل شیعه علوی را از خوارج (خارج از دین) دانسته و در سال های 1960 چندین بار دست به شورش زدند.

با مسلح ساختن گروه های سنی مذهب افراطی و با به میدان آوردن سلفی های جهاد طلب عراق و سربازان مزدور لیبی، ناتو و اتحادیه همکاریهای خلیج می خواهند بشار الاسد

را سرنگون ساخته، و از جبهه مخالفان در تبعید فرد بی اعتباری مانند برهان غلیون (رئیس شورای ملی سوریه) را در رأس رژیم جدید، جایگزین او سازند.

ناتو، اتحادیه همکاری های خلیج و القاعده



الگوی اخیر سیاست خارجی تحمیل شده با مسلح ساختن مبارزان القاعده در لیبی نشان داد که تا چه اندازه می تواند مصیبت بار باشد زیرا در حال حاضر قدرت از شورای ملی موقت لیبی با حمایت ناتو به صدها شبهه نظامی منتقل گردیده که به جنگ های چریکی می پردازند.

در ملاقات بین وزیر امور خارجه ترکیه احمد داوود اغلو و هلاری کلینتون، احمد داووداغلو به او اطمینان داد که در خارج از چهار چوب شورای امنیت در سازمان ملل متحد، امکاناتی را برای فشار روی بشار الاسد فراهم خواهد ساخت. علاوه بر پشتیبانی از یگان های افراط گرایان اهل سنت در سوریه، ایالات متحده مخفیانه از طریق پایگاه نظامی اش در انجیرلیک در خاک ترکیه، سلاح و تأمین مالی برای شورشیان سوریه روانه می کند.

نیروهای مخالف رژیم سوریه به فرماندهی سرهنگ سوریه ریاد الاسد که جزء فراریان ارتش سوریه می باشد، از ماه می 2011 در خاک ترکیه به تمرینات نظامی پرداخته است.

منابع ویژه نظامی و خدمات اطلاعاتی به «دبکا فایل» (مجله اطلاعات نظامی اسرائیل) گزارش داده اند که یگان های ویژه بریتانیایی و قطری برای نیروهای شورشی در حمص کمک هایی ارسال کرده اند. این کمک ها شامل جلیغه ضد گلوله، کامپیوتر قابل حمل، تلفن قابل حمل و خطوط اطلاعاتی که شورشیان از طریق آن می توانند از پشتیبانان خارجی شان درخواست امداد لوژیستیکی، اسلحه و سرباز مزدور نمایند.

اگر چه انگلستان این اطلاعات را تأیید نکرده است، ولی امیر قطر، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی اخیرا پیشنهاد کرده است که برای جنگ علیه نیروهای بشار الاسد تعدادی یگان مسلح به سوریه گسیل کند. پایگاه های نظامی در مجاورت مرز بین جنوب شرقی ترکیه

و شمال سوریه به سکوی عادی ارسال تدارکات به خارج تبدیل شده است. هواپیماهای نظامی ناتو ولی در رنگ آمیزی هواپیماهای عادی (مترجم: که نوعی استتار به حساب می آید) مستقر در نزدیکی اسکندرون توسط خلبان های شورای ملی موقت لیبی هدایت شده و سلاح هایی را که متعلق به انبارها قذافی بوده به کار می برند.

عبدالحکیم الخویدلی بلحاج، رئیس قدیمی گروه مسلمانان اسلامی، مبارز افراطی که در شورش ناتو در طرابلس به فرمانده نظامی تبدیل شده بود، به کمک ثولت ترکیه، شخصا عهده دار گسیل سربازان مزدور لیبی به سوریه شده است.

در عین حال گویا که مهدی آل هراتی از مقامش به عنوان معاون ریاست شورای نظامی در طرابلس استعفا داده است تا به نظارت امور در سوریه آزاد بپردازد.

نشریات سوریه در عین حال اعلام کردند که گروه های تروریست مسلح با سلاح های مدرن آمریکایی و اسرائیلی در روستاهای اطراف دمشق به اعمال تروریستی کور و خشونت آمیز دست زده اند. این گروه های مسلح به انفجار بمب و ربودن افراد غیر نظامی دست زده اند.

در حالی که ناتو و اتحادیه همکاری های خلیج دائما اعلام می کنند که بشار الاسد به کشتار جمعی غیر نظامیان بی سلاح مبادرت کرده است، ما باید بین گزارشاتی که از رسانه های رسمی سوریه منتشر می شود و گزارشاتی که از جبهه مخالف به گوش می رسد دقت کنیم و آنها را با یکدیگر مقایسه نماییم. به عنوان مثال، بیانیه های اخیر فرماندهی القاعده در عراق از ورود مبارزان عراقی به سوریه اظهار خشنودی نمود و به آنها توصیه کرد که از بمب های دست ساز استفاده کنند.

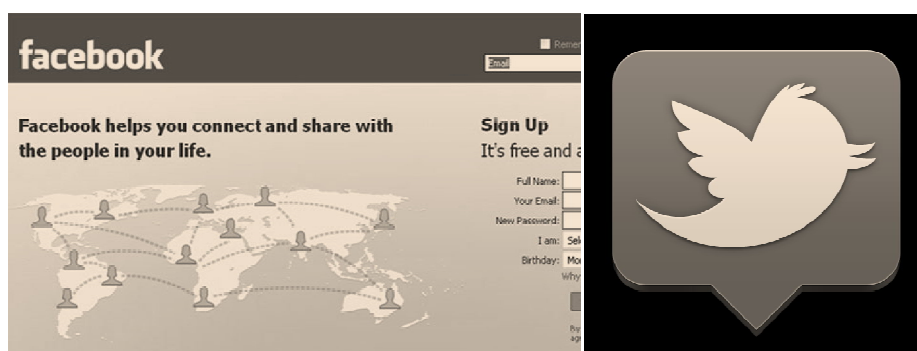
به شکل متناقضی، رئیس القاعده، ایمن محمد ربیع الظواهری، پس از وتوی ناامید کننده روسیه و چین در شورای امنیت، مسلمانان جهان عرب را فراخوانده تا برای پشتیبانی از ارتش آزاد سوریه بسیج شوند. کمتر پدیده ای می تواند به این اندازه پوچ باشد که گروه تروریستی القاعده – که تقریبا تمام رسانه های غربی آن را بربر دانسته و به همین شکل بازنمایی کرده اند – بتواند به سازمان ملل متحد تکیه نموده و مدعی شود که قادر به حل منازعه سوریه است. هدف واقعی القاعده و نقش آن در تعیین سیاست خارجی هرگز تا به این اندازه روشن نبوده است.

همانطور که متفقین و هم پیمانان آنها در خلیج اعلام کرده اند، مطمئنا بشار الاسد را به همان دلیلی که او گروه های تروریستی را متهم می داند و مدعی می شود که با پشتیبانی بیگانگان در سوریه آشوب به پا کرده اند و دست به اعمال خشونت آمیز زده اند، همین دعاوی به زعم آنها، بی اعتباری و غیر قانونی بودن حکومت او را نشان می دهد. حتی اگر تلویزیون سوریه انبار سلاح های مصادره شده را نشان دهد و اعترافات تروریست ها را مبنی بر این که چگونه سلاح هایشان را از خارج دریافت کرده اند به گوش همگان

برساند، با این وجود ناتو و اتحادیه همکاری های خلیج قوانین و آئین نامه های خودشان را تهیه می کنند تا بشار الاسد را به ترک قدرت وادار سازند.

در رویارویی با اردوی تروریستی واقعی که توسط بیگانگان تأمین مالی شده است، اطلاعات ربایان سوریه به «سوریه لایو بلوگ» در بنگاه خبری الجزیره دست برد زده اند، که به شکل دائمی رویدادهای سوریه را منتشر می سازد. شبکه اطلاعات ربایان با صراحت تمام بنگاه الجزیره را به جعل خبر متهم دانسته و اعلام کرده اند که این گزارشات جعلی را به هدف تحریک مردم سوریه به شورش و در راستای اهداف واشینگتن و تل آویو منتشر می کند.

چگونگی تحریف خبری به مدد تویتر و فیس بوک



با گفتمان پر شور و حرارت سوزان رایس (سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد از تاریخ 22 ژانویه 2009) که بشار الاسد را محکوم می کند - همان گونه که پیش از این قذافی را محکوم می کرد - ایالات متحده سعی می کند تا یک بار دیگر با تکیه به نظریه حق حفاظت مستقیمی علیه رژیم بشار الاسد وارد عمل شود.

به موازات جنگ در لیبی : منابع اطلاعاتی سازمان ملل متحد و برای اعلام رسمی شمار رسمی شگفت آور قربانیان، تنها به گزارشات گروه های مدافع حقوق بشر که توسط «بنیاد ملی برای دموکراسی» (2) پشتیبانی شده بودند، دیوان بین المللی کیفری و شورای ملی سوریه منحصر بوده است. شمار رسمی تنها به اعتبار گزارشات سازمانی بوده که هویت آن ابهام آمیز به نظر می رسد و به نام **دیدبانی حقوق بشر سوریه** شناخته شده است که نه در خود سوریه بلکه در لندن مستقر می باشد، و بر اساس گزارشاتی که کاملاً به گفته ها و شنیده های جمع آوری شده و فیلم های منتشر شده در یوتوب و پیغام های مبارزن توییتری تکیه داشته است. در نتیجه گزارشات مجهول توسط دیدبانی حقوق بشر سوریه که هیچ دادگاهی آن را نخواهد پذیرفت، به هیچ عنوان نباید در اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد به عنوان پرونده معتبر مورد بررسی و داوری قرار گیرد.

رئیس دیدبانی رامی عبدالرحمان مستقیماً با وزارت امور خارجهٔ بریتانیا ویلیام هاگ هم کاری می‌کند و به جز مناسباتش با شبکه‌های جوامع مدنی که توسط شرکت‌های خصوصی و بنیادها تأمین مالی می‌شود، هیچ اعتبار دیگری ندارد. ادعایی که نیروهای بشار الاسد را به کشتار تعداد زیادی نوزاد متهم می‌داند، چیزی نیست به جز محصول بنیاد خدمات مدنی بریتانیایی.

اتحادیهٔ عرب و مناسبات آن



هیچ امری جنگ دائمی رسانه‌ها در سوریه را روشن‌تر از گزارشات دیدبانی اتحادیهٔ عرب نشان نمی‌دهد. این موضوع، پس از این که قطر، یعنی تنها کشوری که در کمیتهٔ وزرای اتحادیهٔ عرب به محتوای آن اعتراض کرده، کاملاً در رسانه‌ها ندیده گرفته‌اند.

در گزارش به شکل انکار ناپذیری نوشته شده است که دولت سوریه به روی گروه‌هایی که در اشکال صلح آمیز در تظاهرات شرکت می‌کنند، تیراندازی نکرده است. علاوه بر این گزارش آنها مسئولیت بمب‌گذاری علیه اتوبوس‌های شهری، قطار حمل‌دیزل، اتوبوس پلیس، پل و لوله‌های گاز را به عهدهٔ گروه‌های مسلح دانسته است.

طی مصاحبه‌ای، دیدبان اتحادیهٔ عرب، **احمد منایی** از وتوی روسیه و چین در شورای امنیت و به همین ترتیب از اصلاحات دولت سوریه اظهار خشنودی کرد، و گفت: «اتحادیهٔ عرب به دلیل مسکوت‌گذاشتن مأموریت دیدبانی‌اش و رویگرداندن از فراخوان شورای امنیت، کاملاً بی‌اعتبار شده است. اتحادیهٔ عرب در حل مسئلهٔ سوریه شرکت نکرد، در نتیجه از این پس هر پیشنهادی که در آینده مطرح کند، بی‌ارزش خواهد بود.»

همان‌طور که می‌توانستیم حدس بزنیم، گزارش مقدماتی در مأموریت دیدبانی در رسانه‌ها منتشر نشد و احتمالاً به دلیل تباین آن با خطوط رسمی قدرت‌های غربی و خلیج، بی‌ارزش قلمداد شد، و به همین علت رئیس هیئت دیدبانی در اتحادیهٔ عرب، **محمد آل دابی**

رسم استعفا داد : «دیگر نمی توانم در چهارچوب اتحادیه عرب کار کنم. من وظایفم را با درستکاری تمام و شفافیت انجام دادم، ولی دیگر نمی خواهم این جا کارکنم زیرا وضعیت به انحراف کشیده شده است.»

سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در حال حاضر به سوی آن چیزی بازگشته اند که در آغاز مأموریت مشترک برای دیدبانی بود و امروز آن را **مأموریت صلح** نامیده اند.

اتحادیه عرب به همکاری عربستان سعودی در پی تهیه قطعنامه ای مشابه قطعنامه اول برای راه اندازی مأموریت صلح مسلح است که آن را به سازمان ملل متحد تحویل دهد. این قطعنامه خیلی مشابه تهدیداتی است که مداخله در لیبی را فراهم ساخت، قطعنامه تازه بشار الاسد را به دلیل اعمال خشونت علیه تظاهرات صلح آمیز مردم، بر آن است که انتقال قدرت به شکل دموکراتیک انجام گیرد. انتظار می رود که این قطعنامه نیز دوباره مورد پذیرش روس ها و چینی ها قرار نگیرد. معاون وزیر امور خارجه روسیه، ژنادی گاتیلو اعلام کرده است که پرونده «طرح قطعنامه فاقد تعادل بوده است.»

سازمان ملل متحد وظیفه دارد که از صلح دفاع کند



منازعه در سوریه اختلافات جنگ سرد دراز مدت را بین قدرت های جهانی از پرده بیرون انداخت. وتوی چین و روسیه علیه قطعنامه برای مداخله، مانع قدرت های غربی برای تجاوز آشکار شد، یعنی تجاوز به همان شکلی که ناتو در لیبی به اجرا گذاشته بود. ولی به نظر می رسد که بی ثبات سازی رژیم بشار الاسد توسط گروه های سرّی انجام می گیری که تشکیل شده از سربازان مزدور بوده و برای ارتکاب به اعمال تروریستی کور، مانند بمب گذاری از نوع دست ساز مصمم هستند.

روسیه و چین با درس هایی که از رویدادهای لیبی آموختند، گزارشات شورای حقوق بشر در سازمان ملل متحد را (که توسط کارن کونینگ ابو زاید (3)، معاون یک اتاق فکری خصوصی مستقر در واشینگتن، مشاورت برای خاور میانه (4) به رشته تحریر درآمده) فاقد ارزش معتبر می دانند. مردم عادی قربانی شبهه نظامیان مسلحی هستند که در مناطق مسکونی علیه ارتش سوریه می جنگند.

در یک مصاحبه، ژنرال لئونید ایواچوف، فرمانده اسبق مرکز فرماندهی، اطمینان داد که روسی هاز ایران و سوریه و تمام جهان در رویارویی با فاشیسم آمریکایی پشتیبانی خواهد کرد.

برای پشتیبانی از دولت سوریه، روسیه نیروی دریایی چشم گیری را به منطقه گسیل داشته و چنین نیز به سهم خود علیه تهاجماتی که سوریه را هدف گرفته است اخطار داد.

تناقض بزرگ در این جا نهفته است که ناسزاوارترین کشورها به خودشان اجازه می دهند که در صحنه بین المللی اصول و قواعد حقوق بشر را به دیگران بیاموزند.

هلاری کلینتون بی هیچ تردیدی با اشاره به وتوی چین و روسیه اعلام کرد: «آن چه دیروز در سازمان ملل متحد روی داد یک مسخره بازی بیش نیست». هلاری کلینتون سپس در خواست کرد که بین کشورهای برگزیده غربی که در این جنگ ذینفع هستند و رژیم های سلطنتی مطلقه و هابی در خلیج فارس که به شکل مضحکی «دوستان سوریه» نامیده شده اند، اتحادیه بین المللی تشکیل گردد.

فراخوان های بین المللی که خواهان اجتناب از خشونت بودند به هیچ عنوان تأثیری روی شورای همکاری خلیج و اقدامات خشونت بار آن علیه شیعیان بحرین نداشت.

اما پدیده باورنکردنی، عربستان سعودی است که عهده دار گفتگو پیرامون ارتقاء حقوق بشر و دموکراسی شده است.

در واقع این کشور همان کشوری است که شاید بتوانیم آن را متحجرتترین تئوکراسی فنوئال در جهان بدانیم، هر گونه حزب سیاسی و انتخابات ملی را ممنوع کرده و از دین برگشتگان را گردن می زند.

شبکه ایرانی «پرس تی وی» گزارشاتی درباره طرح آمریکا در سوریه منتشر کرده است. در پرونده مستند، فراخوان روی بازشناسی «شورای ملی سوریه» به عنوان دولت قانونی تمرکز داشته و خواهان پذیرش استقرار آن در ترکیه شده تا امکان تداوم کار علیه رژیم اسد تحت چنین شرایطی فراهم آید. واشینگتن مأموریت گسیل یگان های نظامی را به سوریه برای تسلیح نیروهای مخالف را به ترکیه واگذار خواهد کرد و این طرح با ورود مبارزان و هابی و سربازان مزدور لیبی تکمیل خواهد شد.

موضوع نگران کننده ای که در این مستند مشخصا مطرح گردیده، اسرائیل است که در این طرح، برای اجرای عملیات نظامی علیه سوریه وارد کارزار خواهد شد.

و اگر رژیم سرنگون نشد، در این صورت : شبکه های تلویزیون رسمی سوریه ویران خواهد شد و بشار الاسد نیز به قتل خواهد رسید. با توجه به شیوه ای که اخیرا دیگر دشمنان غرب به قتل رسیدند، طرح واقعه ای که توسط «پرس تی وی» ترسیم شده بود، جای شگفتی نداشت.

وهابی های خلیج فارس ابزارهای خشونت آمریکا هستند که تلاش می کنند تا بر فرقه شیعه علوی که توسط سوریه و ایران پشتیبانی می شوند تسلط یابند، ولی در عین حال در پی تضمین جایگاهشان به عنوان قدرت منطقه ای هستند.

امور داخلی سوریه تأثیر اندکی روی قدرت هایی دارد که سعی می کنند رژیم بشار الاسد را سرنگون کنند. اولویت اصلی مبنی بر هر چه بیشتر منزوی ساختن ایران با حذف متحدان آن یعنی شیعیان علوی در دمشق است. اسرائیل منافع قابل ملاحظه ای در سرنگونی رژیم بشار الاسد برای خود می بیند، زیرا شورای ملی سوریه اطمینان داده است که تمام روابط را با ایران متوقف سازد و از ارسال اسلحه برای حزب الله و حماس جلوگیری نماید.

اگر دولت سوریه سقوط کند و ایران مستقیما مورد تهدید قرار گیرد، خطر بالا گرفتن جنگ منطقه ای، در صورتی که چین و روسیه برای دفاع از ایران مداخله کنند، به شکل فوق العاده جدی خواهد شد.

چنین جنگی می تواند نتایج زیان باری برای اقتصاد جهانی داشته و در سرایشبحران مالی و تورم قرار خواهد گرفت. ویلیام هاگ و سرمایه داران مالی میلیاردر که از گروه های جامعه مدنی دفاع کرده و برای بازیگران صحنه خشونت آمیز مخالفان قانونیت قائل هستند، نمایندگان مردم سوریه نیستند.

اگر چه اصلاحات به کندی انجام گرفته، ولی دولت بشار الاسد در حال پیاده کردن طرح تازه برای قانون اساسی می باشد. و بر این اساس، قدرت حاکم سوریه پاسخ انتقادات قدرت هایی را داد که مدعی دفاع از مردم سوریه هستند.

سوء قصد به جان بشار الاسد نتایج مشابه به قتل آرشیدوک فرانسوا فردیناند خواهد داشت (مترجم : یعنی قتل فرانسوا فردیناند جرعه ای بود که آتش جنگ جهانی اول را به پا کرد).

از آن جایی که شورای ملی سوریه برای برقرار ساختن منطقه ممنوعه پرواز در آسمان سوریه درخواست کرده است، اعضای جامعه بین الملل که هنوز حسن نیتی برایشان باقی مانده باید دقت عمل به خرج دهند تا از بالا گرفتن منازعه جلوگیری کنند.

Nile Bowie
nilebowie.blogspot.com ,

پی نوشت :

- 1) PNAC . **Project for the New American Century**
- 2) **National Endowment for Democracy**
- 3) **Karen Koning AbuZayd**
- 4) **Middle East Policy Council**

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=29722>